

«دوران احمدی‌نژاد زمانه مناقشه برانگیز ایران است که نمی‌توان در مورد آن سکوت کرد»

تاکتیک سکوت

«سکوت جهانگیری بی‌تردید سیاست و استراتژی را پشت‌سر خود می‌بیند»



مصطفی کاشانی

اول رئیس‌جمهوری تجارب خود را به کار گرفته تا وعده‌ها و اهداف جامه عمل بپوشند، در بخشی از سخنرانی خود از سکوت می‌گوید! «گفتند سکوت کن، گفتم چشم». حالا که پنج‌سال از عمر دولت روحانی می‌گذرد، رئیس‌دولت‌های نهم و دهم اظهارات و اقداماتی دارد و دست‌به‌حاشیه‌سازی‌هایی می‌زند؛ حاشیه‌هایی که دوباره مرد میدان سیاست را مجبور کرد به این دست اقدامات اعتراض‌کننده؛ شکه‌هایی که حقایق را مطرح کردند، حقایی همچون تخلفات نفتی بابک

پیشینه

پیشینه‌های

البته در برهه‌های گذشته رهبری از درگذشت امام که می‌توانست به بحرانی برای انقلاب نوپا تبدیل شود، به آذغان بسیاری از چهره‌های سیاسی آن سال‌ها با درایت آیت‌الله‌هاشمی به آرامی برای ایران سپری شد. در دوره سازندگی نیز نمی‌توان نقش مهم‌هاشمی را منکر بود. گرچه سیاست‌های تعدیل اقتصادی و بازارهای آزاد دولت آیت‌الله منتقدان فراوانی در کشور یافت. منتقدان آن اقتصاد را هدف انتقاد نداشتند، بسیاری دولت‌های هاشمی را به سبب کند بودن مسیر آزادی‌های مدنی و سیاسی مورد نکوهش قرار دادند. دوره بعد هم منتقدان آن روزهای هاشمی که از ثروت‌های افسانه‌ای او داد سخن می‌دادند، آیت‌الله‌هاشمی به نقطه اعتدالی در مسیر تندتیز سیاست رسیدند تا ایران از آسیب این تندروی‌ها در امان بماند. اما آغاز بی‌مهری‌ها به آیت‌الله از شرکت ایشان در انتخابات مجلس آغاز شد و سیاست هاشمی در قبال آن سکوت بود؛ این سکوت را شاید بتوان میراث دهه سوم حضور هاشمی در قدرت ایران دانست. اما شکست در این انتخابات و لوج تندخویی‌های رسمی و علنی علیه آیت‌الله بود، وی و آتش هاشمی همان بود که یاد می‌بود.

در بچه

گزیده‌ای از صحبت‌های جهانگیری

اقدامات او گفته شود الان باید به این حرف‌ها جواب بدهید البته اگر لازم باشد من موتور را مجدود روشن می‌کنم. جهانگیری در ادامه با اشاره به اینکه فرمانداران بالاترین مقام اداری در پنج سال گذشته به طور متوسط ۴۸۰ هزار شغل درست شده است که می‌گویند این خیلی بد است. در آن دوره که تورم ۳۵ درصد بود می‌گویند دوره خیلی خوبی بود، اما اکنون که تورم زیر ۱۰ درصد است، می‌گویند خیلی بد است. وی در ادامه افزود: وقتی رشد اقتصادی منفی هفت درصد بود می‌گفتند دوره خوبی بود الان که رشد اقتصادی به شش درصد رسیده است می‌گویند رکود است. برادر عزیز می‌دانید رکود یعنی چه؟ بیکار رکود را برای مردم تعریف کنید. جهانگیری ادامه داد: اگر گفته شود این اقدامات توسط دولت انجام شده است، اما به اقدامات بیشتری نیاز است ما این را قبول داریم و درست است ما بیش از ۸۰۰ هزار شغل ایجاد کرده‌ایم، ولی هنوز افسرد بیکار زیاد داریم کارهای بزرگی انجام شده که نباید آنها را کوچک جلوه داد. اشتباه می‌کنند که دولت را ناکارآمد جلوه می‌دهند و با آمریکا که می‌خواهد بگوید نظام ناکارآمد است هم صحبت می‌نمایند. شاخص‌های اقدامات دولت که مشخص است. معاون اول با بیان اینکه من راجع به دوره بد کشور خیلی صحبت کرده‌ام، بیان کرد: از مقطعی به من توصیه به سکوت کردند و من هم گفتم چشم، ولی الان سر تا ذیل حکومت را به بحث گرفتیم و می‌گویند انتخابات زودهنگام و بدون مهندسی برگزار شود، وقتی نگذاشتید

نگاه کارشناس

موضع

عقلانانه‌ای است

علی تاجرنیا - نماینده پیشین مجلس آقای احمدی‌نژاد - رئیس‌جمهوری ایران است. او در زمان دولت احمدی‌نژاد به این دولت و عملکردش پرداخته‌اند که به آقای جهانگیری برخورد می‌کنند؛ من متوجه نمی‌شوم. نکته آخر این که من به عنوان یک شهروند ایرانی آقای جهانگیری یک خواهش دارم؛ چهار پنج‌سال است که دولت معنی سکوت را یعنی چه؟! پس چیزهایی که در این مدت گفته شده، چه بوده؟ همه چیز گفته شده درست یا غلط. ولی گفته‌اند، اما این که بعد از پنج‌سال آقای جهانگیری می‌گویند به من گفته‌اند سکوت کن، کدام سکوت؟ مگر شما سکوت کرده بودید؟ نکته بعدی در پاسخ به این پرسش این است که مطالبی که احمدی‌نژاد گفته‌اند - در این نامه‌نگاری‌ها - عمدتاً به این دولت و عملکرد آن تیرداخته‌اند. ایشان عمدتاً فرمایشات‌شان راجع به انتخابات، قانون اساسی و قوه قضائیه است. در واقع احمدی‌نژاد عمدتاً قوه قضائیه را می‌نوازد، من نمی‌دانم چرا به آقای جهانگیری برخورد؟! اتفاقاً احمدی‌نژاد طی چهار پنج‌سال گذشته به هر دلیلی کمتر در مقام پاسخگویی به مطالبی که دولت فعلی در زمینه عملکرد او گفته، درآمده. نه این که اصلاً پاسخگو نبوده، ولی عمده صحبت‌هایش در مورد قوه قضائیه و رئیس قوه قضائیه و برادران

زنجانی، دکل‌های نفتی گمشده، رشد تبعیض جنسیتی، تحریم‌ها و قرار گرفتن ایران ذیل فصل هفتم منشور سازمان ملل و نحوه عملکرد مذاکرات هسته‌ای. اگرچه این شکه‌ها بی‌دلیل نبود و واقعیت‌ها از این مسأله پرده برمی‌داشتند که طی هشت سال زیرساخت‌های اقتصادی از بین رفته بودند و در دسرهای زیادی برای دولت جدید وجود دارد و برای همین بود که دولت روحانی در هضر عرصه‌ای که می‌خواستند ورود پیدا کند به عمق فجایعی باقی‌مانده، پی‌پی‌برد

نگاه مخالف

کدام سکوت؟

که به جا گذاشت - هر چه خواستند گفتند، من تعجب می‌کنم که آقای جهانگیری می‌گویند من سکوت کرده بودم، کدام سکوت؟ البته تأکید دارم من نمی‌گویم گفته‌ها بی‌راه و اشتباه بوده، شاید هم لازم بوده گفته شود، اما این که در حال حاضر می‌گویند سکوت کردند، نمی‌دانم معنی سکوت یعنی چه؟! پس چیزهایی که در این مدت گفته شده، چه بوده؟ همه چیز گفته شده درست یا غلط. ولی گفته‌اند، اما این که بعد از پنج‌سال آقای جهانگیری می‌گویند به من گفته‌اند سکوت کن، کدام سکوت؟ مگر شما سکوت کرده بودید؟ نکته بعدی در پاسخ به این پرسش این است که مطالبی که احمدی‌نژاد گفته‌اند - در این نامه‌نگاری‌ها - عمدتاً به این دولت و عملکرد آن تیرداخته‌اند. ایشان عمدتاً فرمایشات‌شان راجع به انتخابات، قانون اساسی و قوه قضائیه است. در واقع احمدی‌نژاد عمدتاً قوه قضائیه را می‌نوازد، من نمی‌دانم چرا به آقای جهانگیری برخورد؟! اتفاقاً احمدی‌نژاد طی چهار پنج‌سال گذشته به هر دلیلی کمتر در مقام پاسخگویی به مطالبی که دولت فعلی در زمینه عملکرد او گفته، درآمده. نه این که اصلاً پاسخگو نبوده، ولی عمده صحبت‌هایش در مورد قوه قضائیه و رئیس قوه قضائیه و برادران

دیدگاه

بهرتر است معاون اول وارد مناقشات نشود

برمی‌گشت. شاید اینچور تشخیص داده‌اند این مسأله روال منطقی خود را پیدا کند و فضای فراهم نشود که احمدی‌نژاد و طرفداران او به دنبال دامن‌زدن به آن باشند. تخلفات روشن است و مسأله دستگاه قضایی باید به این موارد رسیدگی کند و به‌نظر من شاید مناسب نباشد در این سطح معاون اول رئیس‌جمهوری بخواد وارد این مناقشات شود؛ مناقشاتی دوم مملکت قاعدتاً بر اساس ملاحظاتی سکوت که هستند، این مناقشات نیز به جایگاه و نقش دولت است. می‌گردد که طبیعتاً باید در شرایط فعلی به همکاری‌ها و انسجام بیشتر در جامعه که از روحانی شدن از سمت ایشان بود و به نوعی ایشان نوک پیکان جریان اصلاح‌طلبی از دولت بود و در حال حاضر نیز جهانگیری بالقوه رئیس‌جمهوری کشور است. به نظر من طبیعی است جهانگیری خودش را هم‌زیان و هم‌داستان کند با فردی که وظیفه و رسالت خودش را به نوع دیگری تعریف کرده است. مسأله بعدی این است که واقعیت‌ها گویای این هستند که احمدی‌نژاد در طرح یکسری مسأله‌ها - مثل عاملی که گفته‌ها نیست، کسی که در دوران خود بزرگترین اتفاقات و خطاها صورت گرفته و ایشان سکوت کرده، حتی تشویق کرده و همراهی کرده، امروز صحبت کردن از فساد سیستم قضایی، عدم وجاهت شورای نگهبان و انتقادات در به‌بهری نظام از طرف ایشان پذیرفته نیست. در واقع در شرایط فعلی مصلحت نظام و قوم جمهوری اسلامی برای رئیس‌جمهوری پیشین خیلی اهمیت ندارد، در حالی که جهانگیری نسبت به مسأله اینجینتی توجه دارد. بنابراین به نظر من موضوع جهانگیری چه خودشان تصمیم گرفته باشند و چه به نظر باشد، موضع عقلاانه‌ای است.

منابع دیگر

در این شماره پرسش این است آیا جهانگیری باید سکوت کند؟ پرسشی که مخالفان و موافقان دارد و دلایل آنها در این شماره انعکاس داده شده است و لینک‌هایی که در ادامه آمده به‌روشن‌شدن‌زویای این مسأله کمک می‌کند.

https://www.isna.ir/news/96080703933
لیسنا

http://fararu.com/fa/news/334369
فرارو

نگاه موافق

صاوق زیباکلام - استاد دانشگاه

جهانگیری استراتژی است که در شرایط فعلی باید اجرائی شود. در واقع هیچ نقشی دولت‌های نهم و دهم نداشتند. در واقع این حاشیه‌سازی‌ها به‌گونه‌ای است که گویا در این مسائل و مشکلات به‌وجود آمده دولت‌های نهم و دهم هیچ نقشی نداشتند و این دولت‌ها نبودند که تمام زیرساخت‌های اقتصادی را خراب کردند. با همه این شرایط و با توجه به شخصیت احمدی‌نژاد این سیاست و سکوت پیشه‌کردن در حال حاضر به نفع اصلاح‌طلبان است، چون در این شرایط نیازی به پاسخگویی نیست، زیرا خود مردم بهترین قاضی هستند. سیاست‌های سال‌های ۸۴ تا ۹۲ و نتایج آن برابر چشم‌ان مردم هست و افرادی که حتی کمی از القیای اقتصاد سردر می‌آورند، می‌دانند که طی هشت‌ساله‌ای که دولت در دست اولوگراییان به ریاست احمدی‌نژاد بود، چه بلایی سر مملکت آمد و طی هشت‌سال به میزان ۵۰ سال عقب‌انجام داد. واقعیت این است که بسیاری از مصیبت‌های امروزی سکوت بوده است که بسیاری از مصیبت‌های همان هشت‌سال دارد، به‌خصوص چهار سال دوم احمدی‌نژاد که تحریم‌ها فشار مضاعفی به کشور وارد کرد. برای قضاوت در مورد درستی این تصمیم باید اشاره‌ای به شخصیت احمدی‌نژاد داشت؛ احمدی‌نژاد و اساساً آن جریان و آن طرز تفکر فقط و فقط می‌توانند موج‌سواری کنند و تنها می‌توانند با

نگاه موافق

صادق زیباکلام - استاد دانشگاه

جهانگیری استراتژی است که در شرایط فعلی باید اجرائی شود. در واقع هیچ نقشی دولت‌های نهم و دهم نداشتند. در واقع این حاشیه‌سازی‌ها به‌گونه‌ای است که گویا در این مسائل و مشکلات به‌وجود آمده دولت‌های نهم و دهم هیچ نقشی نداشتند و این دولت‌ها نبودند که تمام زیرساخت‌های اقتصادی را خراب کردند. با همه این شرایط و با توجه به شخصیت احمدی‌نژاد این سیاست و سکوت پیشه‌کردن در حال حاضر به نفع اصلاح‌طلبان است، چون در این شرایط نیازی به پاسخگویی نیست، زیرا خود مردم بهترین قاضی هستند. سیاست‌های سال‌های ۸۴ تا ۹۲ و نتایج آن برابر چشم‌ان مردم هست و افرادی که حتی کمی از القیای اقتصاد سردر می‌آورند، می‌دانند که طی هشت‌ساله‌ای که دولت در دست اولوگراییان به ریاست احمدی‌نژاد بود، چه بلایی سر مملکت آمد و طی هشت‌سال به میزان ۵۰ سال عقب‌انجام داد. واقعیت این است که بسیاری از مصیبت‌های امروزی سکوت بوده است که بسیاری از مصیبت‌های همان هشت‌سال دارد، به‌خصوص چهار سال دوم احمدی‌نژاد که تحریم‌ها فشار مضاعفی به کشور وارد کرد. برای قضاوت در مورد درستی این تصمیم باید اشاره‌ای به شخصیت احمدی‌نژاد داشت؛ احمدی‌نژاد و اساساً آن جریان و آن طرز تفکر فقط و فقط می‌توانند موج‌سواری کنند و تنها می‌توانند با



آذر منصوری
عضو شورای مرکزی حزب اتحاد ملت ایران و فعال سیاسی | جهانگیری به‌عنوان معاون اول رئیس‌جمهوری در واقع نخستین مقام رسمی جانشین شخص دوم مملکت قاعدتاً بر اساس ملاحظاتی سکوت که هستند، این مناقشات نیز به جایگاه و نقش دولت است. می‌گردد که طبیعتاً باید در شرایط فعلی به همکاری‌ها و انسجام بیشتر در جامعه که از روحانی شدن از سمت ایشان بود و به نوعی ایشان نوک پیکان جریان اصلاح‌طلبی از دولت بود و در حال حاضر نیز جهانگیری بالقوه رئیس‌جمهوری کشور است. به نظر من طبیعی است جهانگیری خودش را هم‌زیان و هم‌داستان کند با فردی که وظیفه و رسالت خودش را به نوع دیگری تعریف کرده است. مسأله بعدی این است که واقعیت‌ها گویای این هستند که احمدی‌نژاد در طرح یکسری مسأله‌ها - مثل عاملی که گفته‌ها نیست، کسی که در دوران خود بزرگترین اتفاقات و خطاها صورت گرفته و ایشان سکوت کرده، حتی تشویق کرده و همراهی کرده، امروز صحبت کردن از فساد سیستم قضایی، عدم وجاهت شورای نگهبان و انتقادات در به‌بهری نظام از طرف ایشان پذیرفته نیست. در واقع در شرایط فعلی مصلحت نظام و قوم جمهوری اسلامی برای رئیس‌جمهوری پیشین خیلی اهمیت ندارد، در حالی که جهانگیری نسبت به مسأله اینجینتی توجه دارد. بنابراین به نظر من موضوع جهانگیری چه خودشان تصمیم گرفته باشند و چه به نظر باشد، موضع عقلاانه‌ای است.



ناصر ایمانی - تحلیلگر مسائل سیاسی | آیا جهانگیری باید سکوت کند؟ سوالاتی کاملاً یک‌طرفه است و این درحالی است که سوال باید بی‌طرفانه مطرح شود تا به پاسخ‌دهنده این اجازه را بدهد نظر خود را مطرح کند، نه این که سوال جهت‌دار باشد. در پاسخ به این سوال باید گفت من به‌شخصه نمی‌دانم چه کسی به آقای جهانگیری گفته سکوت کند! ایشان باید به صراحت بگویند دوستان گفته‌اند، رئیس‌جمهوری چنین خواسته‌ای داشتند، آن‌ها چنین پیشنه‌ای دادند، نکته دومی که در این زمینه باید به آن اشاره کرد این است که من نمی‌دانم سکوت به چه معناست. تا جایی که بنده به‌خاطر دارم جناب رئیس‌جمهوری و آقای جهانگیری از سال‌ها پیش به‌شخصه سکوت کن، دولت‌های نهم و دهم سوال کرده و به آن تاخته‌اند. من نمی‌گویم اشتباه کرده‌اند، تنها منظورم این است که کارشان را کرده‌اند و هیچ سکوتی در میان نبوده، یعنی هر چیزی که در هر زمانی لازم بوده از عملکرد دولت قبل - از فجایع و خرابی‌هایی



صاوق زیباکلام - استاد دانشگاه | سکوت جهانگیری استراتژی است که در شرایط فعلی باید اجرائی شود. در واقع هیچ نقشی دولت‌های نهم و دهم نداشتند. در واقع این حاشیه‌سازی‌ها به‌گونه‌ای است که گویا در این مسائل و مشکلات به‌وجود آمده دولت‌های نهم و دهم هیچ نقشی نداشتند و این دولت‌ها نبودند که تمام زیرساخت‌های اقتصادی را خراب کردند. با همه این شرایط و با توجه به شخصیت احمدی‌نژاد این سیاست و سکوت پیشه‌کردن در حال حاضر به نفع اصلاح‌طلبان است، چون در این شرایط نیازی به پاسخگویی نیست، زیرا خود مردم بهترین قاضی هستند. سیاست‌های سال‌های ۸۴ تا ۹۲ و نتایج آن برابر چشم‌ان مردم هست و افرادی که حتی کمی از القیای اقتصاد سردر می‌آورند، می‌دانند که طی هشت‌ساله‌ای که دولت در دست اولوگراییان به ریاست احمدی‌نژاد بود، چه بلایی سر مملکت آمد و طی هشت‌سال به میزان ۵۰ سال عقب‌انجام داد. واقعیت این است که بسیاری از مصیبت‌های امروزی سکوت بوده است که بسیاری از مصیبت‌های همان هشت‌سال دارد، به‌خصوص چهار سال دوم احمدی‌نژاد که تحریم‌ها فشار مضاعفی به کشور وارد کرد. برای قضاوت در مورد درستی این تصمیم باید اشاره‌ای به شخصیت احمدی‌نژاد داشت؛ احمدی‌نژاد و اساساً آن جریان و آن طرز تفکر فقط و فقط می‌توانند موج‌سواری کنند و تنها می‌توانند با